آموزش شاگردانی برای آموزش
جلسه ۱۱: تسلیم (۵c)

ارائه شده توسط ران لایولی، BiblicalMentoring.org – M.A. ،M.Div. (مطالعات)

مرحله ۱: دعای افتتاحیه

مرحله ۲: هر فرد آیه خاطره را نقل می کند: آیه: **مرقس ۱۰:۴۵**
۴۵ «زیرا حتی پسر انسان هم نیامد تا خدمت شود، بلکه برای خدمت آمد،
و جان خود را به عنوان فدیه برای بسیاری داد.»

مرحله ۳: *تمام یا بخشی از فصل کتاب مقدس را بخوانید و بحث کنید* – **مارک ۱۰**

مرحله ۴: سوالات برای درخواست های شخصی و/یا بحث های گروهی:

1. فیلیپس می گوید که در واقع اقتدار مسیح به او و کارکنانش منتقل شده بود. فکر کنید این موضوع چگونه بر جهت گیری آن ها در موقعیت های پرتنش تأثیر گذاشت.

2. اعمال قدرت از طریق خدمتگزاری یعنی چه؟

3. می توانید نکته نویسنده را توضیح دهید که پیام مسیح این بود که «عشق معنوی خدمت می کند، نه آرزو»؟

4. *نویسنده می نویسد که «کافران به خاطر ترس، غرور، وفاداری یا میل به پول خدمت می کنند». در نظر بگیرید که انگیزه یک شاگرد باید عشق باشد.*

5. *فیلیپس ادعا می کند که باید چهار حقیقت کتاب مقدس را بفهمیم و زندگی کنیم. می توانید نام آن ها را بگویید؟*

مرحله ۵: *محتوای کتاب را بخوانید و بحث کنید:*

فصل ۵c به گفته نویسنده – کیت فیلیپس:
وقتی این مردان بر من و خدمت ما تسلط یافتند، من به صورت شفاهی تسلیم خود را به آن ها تأیید کردم. مسیحیان باید داوطلبانه به رهبران خود تسلیم شوند. هیچ بندی کتاب مقدسی برای رهبران وجود ندارد تا بر کسی که تسلیم نیست، اقتدار خود را اعمال کنند. به همین دلیل عهد جدید ابتدا با کسی که مسئول تسلیم است سخن می گوید و سپس به کسی که باید اقتدار را اعمال کند: ابتدا به کودکان، سپس به والدین؛ ابتدا به همسر، سپس به شوهر؛ ابتدا به خدمتگزار، سپس به ارباب. در نتیجه، رابطه من با هیئت مدیره ما بر اساس تسلیم شدن من به آن ها بود. تسلیم من مانع از مسئولیت شخصی بیشتر برای جستجوی کتاب مقدس و آزمایش رهبری نمی شود (اعمال رسولان ۱۱:۱۷). با این حال، این کار را با روحیه ای مطیع انجام می دهم و اعتماد دارم که چنین مطالعه ای فقط آموزش دریافتی را تقویت خواهد کرد. اگر در موضوعی اختلاف نظر داشته باشیم، امیدوارم این رهبران خداپرست آماده بحث باشند یا هرگونه اصلاح یا روشن گری را ارج بگذارند. روح من به عنوان جستجوگر انتقادی، سرکش یا بی اعتماد نیست. این تسلیم است. من آن ها را دوست دارم و به آن ها احترام می گذارم. و می دانم عکس آن هم صادق است.

تسلیم شدن در برابر مردان خداپرستی که مرا خوب می شناسند، فشار زیادی را کاهش داده است. بر اساس راهنمایی و خرد آن ها، اکنون می توانم با اطمینان بر کسا نی که به من تسلیم می شوند، اختیار داشته باشم. در مقابل، بسیاری از کارکنان ما که مسئولیت رهبری به آن ها سپرده شده اند، بر سایر کارکنان و مسیحیان در گتو تسلط دارند. در واقع اختیار واگذار شده مسیح به ما منتقل شده است. اجرای این اصل در برخی موقعیت های پرتنش جهت را برای کارکنان ما فراهم کرده است. اغلب از ما پول خواسته شده تا غذا بخرند. متوجه شدیم پولی که می دادیم اغلب مشروبات الکلی یا مواد مخدر می خرید. بنابراین تصمیم گرفتیم برای کسا نی که می گفتند گرسنه اند، غذایی متعادل فراهم کنیم.

این در تئوری خوب به نظر می رسید، اما در خیابان ها خوب جواب نمی داد. وقتی به کسی غذا تعارف می شد، پاسخ می داد: «من ترجیح می دهم پول داشته باشم. به من اعتماد نداری؟» فرقی نمی کرد چقدر با دلسوزی توضیح می دادیم، بحث و احساسات تلخ پیش می آمد. در نهایت، به کارکنانمان گفتم فقط بگویند: «رئیس من می گوید نمی توانیم پول بدهیم، اما اگر بخواهید به شما غذا می دهم.» شگفت آور بود که این معضل ما را حل کرد. کسا نی که پول می خواستند، به اختیاری که کارکنان ما به آن تسلیم می شدند احترام می گذاشتند، حتی اگر نمی دانستند آن اختیار کیست. آن ها می توانستند با شخص بحث کنند، اما با اقتدارش نه. یک شاگرد با شادی تسلیم مسیح و اختیارات واگذار شده اش می شود.

شاگردان قدرت خود را از طریق خدمتگزاری اعمال می کنند

به جای استفاده از زور خشن یا خواسته های اقتدارگرایانه، شاگرد اقتدار خود را از طریق خدمتگزاری اعمال می کند. عیسی به شاگردانش گفت: «... شما می دانید کسا نی‌که به عنوان حاکمان امت شناخته می شوند، بر آن ها ارباب هستند؛ و بزرگان آن ها بر آن ها سلطه دارند. اما در میان شما چنین نیست... هر که بخواهد نخستین شما باشد، برده همه خواهد بود. زیرا حتی پسر انسان هم نیامد تا خدمت شود، بلکه برای خدمت و فدیه دادن جان خود برای بسیاری» (مرقس ۴۲:۱۰-۴۵). پیام مسیح روشن بود: عشق معنوی خدمت می کند، نه خواهان. خدمت گزاری بالاترین شکل رهبری است. مسیحی بالغ در هر موقعیتی خدمت را بر ربوبیت ترجیح می دهد. افراد بسیار کمی هستند که چنین تأثیر اولیه خیره کننده ای بگذارند که من را شگفت زده کنند. روزی به ذهنم رسید که آن افراد منحصر به فرد که این کار را می کنند، یک چیز مشترک دارند: خدمتگزاری.

والتر یکی از این افراد شگفت انگیز است. اولین بار که ملاقات کردیم، او پیشنهاد داد تقویمش را خالی کند تا مرا به قرارهایم برساند. او واقعا نگران رفاه من بود. هرگز تصور نمی کردم که او یکی از مدیران ارشد کسب وکار کشور باشد. والتر هرگز نیازی به گفتن این حرف ندارد، اما می دانم که هر کاری از دستش برآید برای خدمت به من انجام خواهد داد. اگر در وضعیت ناامیدکننده ای بودم، بدون تردید با او تماس می گرفتم. خدمت گری در زندگی او نفوذ کرده است. عیسی گفت: «این فرمان من است که یکدیگر را دوست بدارید، همان طور که من شما را دوست داشته ام» (یوحنا ۱۲:۱۵ ، به صورت ایتالیک اضافه شده است). و محبت مسیح به شاگردانش خدمت گزاری بی خودخواهانه بود. او داوطلبانه به شکل برده درآمد (فیلیپیان ۲:۷). او پاهایشان را شست و با میل خود جای آن ها را روی صلیب گرفت. عیسی هنگام به صلیب کشیدن او فریاد نمی زد و لگد نمی زد. او دلسوز و بخشنده بود. او بدون هیچ تردیدی خدمت کرد و سپس اعلام کرد: «من به شما نمونه ای دادم که شما نیز باید همان گونه رفتار کنید که من با شما کردم» (یوحنا ۱۳:۱۵). رسولان که اقتدارشان در کلیسا بی چون و چرا بود، رهبران خدمتگزار بودند. آن ها «بر فرزندان روحا نی خود فرمانروای نمی کردند» (دوم قرنتیان ۱:۲۴). آن ها اقتدار را به شکلی فروتنانه و محبت آمیز اعمال می کردند. برخلاف کافرا نی‌که به خاطر ترس، غرور، وفاداری یا میل به پول خدمت می کنند، انگیزه شاگرد عشق است. او رفاه برادرش را بر رفاه خود ترجیح می دهد. حریم خصوصی تجملی نادر است. مزاحمت غیرمعمول نیست. او بدون جلب توجه خدمت می کند و در هیجان یا تراژدی آن لحظه، اغلب بدون تشکر می رود. هر کلمه یا عمل متکبرانه ای از شخصیتش خارج است. یادم می آید که در اتا قی سمینار برگزار می کردم که تخته سیاه در آن نبود. ال اورت، مدیر ویچیتا، همراه من بود. آل بی صدا و کاملا بی توجه پشت تخته سیاه رفت و آن را به بدنش چسباند. سه ساعت درباره شاگردی آموزش دادم—خودمرگ، تسلیم، اطاعت، عشق و خدمتگزاری. وقتی جلسه تمام شد، به ال نگاه کردم و عمیقا تحت تأثیر قرار گرفتم. من درباره شخصیتی شبیه مسیح صحبت کرده بودم در حالی که ال آن را تجربه کرده بود. " ... هر که بخواهد در میان شما بزرگ شود، خدمتگزار شما خواهد بود» (متی ۲۶:۲۰). شاگردان اقتدار خود را از طریق خدمتگزاری اعمال می کنند. روابط تسلیم و اقتدار که خدا مقرر کرده، به عنوان سیستم عصبی مرکزی کلیسای مسیح عمل می کند. ما تنها زما نی می توانیم در بدن مسیح به درستی عمل کنیم که این چهار حقیقت کتاب مقدس را که پایه های تسلیم شاد را شکل می دهند، بفهمیم و بر اساس آن ها زندگی کنیم.

صفحات ۵۵-۵۸

چک لیست شاگردان - ارسال
___I نگرش درو نی اعتماد به خدای حاکم، مهربان و دانای کل خود دارم.
اقتدار ___Christ در زندگی من بی نهایت است.
___When اقتدار واگذار شده خدا زندگی ام را لمس کند، همان طور که به مسیح تسلیم می شوم، همان طور که به مسیح تسلیم می شوم.
___I می توانم قدرت را اعمال کنم چون تسلیم قدرت هستم.
___I از طریق خدمتکاری از قدرت خود استفاده کنم.

***مرحله ۶:** درخواست های دعای شخصی را به اشتراک بگذارید و سپس هر برای درخواست دیگری دعا کند.*

منبع: ساخت یک شاگرد نوشته دکتر کیت فیلیپس. انتشارات شرکت فلمینگ اچ. رول، ۱۹۸۱. شابک 0-8007-1181-5. مقدمه توسط رابرت ای. کولمن. محتوا (به جز سوالات مطالعاتی) بدون بازبینی از کتاب گرفته شده است.